

وحدت اقوام ایرانی

دی 18، 1393

سه تحلیل نظری درباره اقوام ایرانی می‌توان ارائه داد. یک * رویکرد مبتنی بر این است؛ آنچه هویت ایرانی را می‌سازد بیشتر برگرفته از ملیت است. [باستان‌گرایی](#) و نگاه یک سویه به ایران عزیز، از آثار مترتب بر این رویکرد است.

[اقوام ایرانی](#) از این منظر، در عنصر [هویت](#) بخش ملیت محو شده و کمتر در محاسبات و برنامه ریزی‌های ملی دیده می‌شوند. این رویکرد، سلبی است. رویکرد دوم به قومیت به عنوان زیرساخت هویت افراد در [جامعه ایرانی](#) می‌نگرد و سایر جنبه‌های هویت آفرین را در حاشیه قرار می‌دهد. برتری جویی قومی و نادیده انگاری مولفه‌های وحدت ملی و امنیت ملی از تبعات این رویکرد است. این رویکرد، اثباتی و به بیان بهتر افراطی است. در رویکرد سوم، اقوام ایرانی نه به تنهایی متن هستند و نه در حاشیه بلکه پیوندهای قومی بخش مهمی از شناسنامه اقوام ایرانی محسوب می‌شوند.

دولت‌ها همواره از شناسنامه ملت‌ها در روابط خود با سایر کشورها استفاده می‌کنند. دولت به نمایندگی از مردم است که در روابط بین‌الملل به ایفای نقش می‌پردازد و از خود چیزی مستقل ندارد. در ایران این رابطه بسیار ظریف‌تر است. در سلسله مراتب اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران، دولت‌ها موظف به پیگیری منافع دینی و ملی هستند. من معتقدم هویت ایرانی در یک رویکرد ترکیبی بر پایه پیوندهای قومی، ملی و اسلامی یک کل لایتجزی را پدید می‌آورد. سه دایره متداخل را در نظر بگیرید که از داخل به سمت بیرون آن دوایر متحدالمرکز اقوام ایرانی، ملیت و اسلامیت در درون هم قرار گرفته‌اند. قوم به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که در جامعه‌ای بزرگ‌تر زندگی می‌کنند و ویژگی‌های مشترکی آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. مهم‌ترین این وجوه اشتراک؛ دین، زبان و فرهنگ است که هویت قومی آنها را پدید می‌آورد.

اقوام در ایران برخلاف سایر مناطق جهان نه تنها تزاخم و درگیری برای هم نداشته‌اند بلکه در تمامی مقاطع حساس و بویژه هنگام یورش‌های بیگانه به این سرزمین آسمانی همیشه پشت یکدیگر و مدافع ارزش‌های جامعه و منافع ملی بوده‌اند. اگر در گذشته و البته بیشتر در دو دهه سال اخیر از بخش‌های شمالی، شمال شرقی، شرقی، جنوبی و غربی

یعنی تقریباً از همه طرف قسمت هایی از تمامیت ارضی خود را از دست داده ایم ناشی از ضعف حکومت های شاهان بوده وگرنه اقوام ایرانی در هشت سال دفاع مقدس توانستند با وحدت مثال زدنی خود و در سایه رهبری دینی جامعه، شگفتی ساز بزرگ ترین جنگ منطقه ای در قرن بیستم باشند و نظام سلطه را در برابر عظمت مردم ایران به زانو درآورند. ملیت و اسلامیت دو عامل درون زا و وحدت آفرین برای اقوام ایرانی بوده اند. ملیت به معنای مردمانی که در یک سرزمین مشخص با مدیریت سیاسی واحد و باورهای فراگیر و مشترک زندگی میکنند و برای رسیدن به اهداف ملی با یکدیگر همکاری سازمان یافته و روبه رشدی دارند.

ملت ایران با وجود تنوع قومی که در تمامی بخش های شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی این سرزمین پهناور گسترده شده اند کمترین فاصله اجتماعی را دارند و بحمدالله به بالاترین سطح آگاهی سیاسی و هم افزایی در زمان معاصر رسیده اند. فراوانی ازدواج ها بین مردان و زنان از گروه های قومی مختلف در ایران و اختلاط بین اقوام ایرانی مصداق بارز نبود فاصله اجتماعی در کشور است و مشارکت در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بالاترین سطح مشارکت پذیری سیاسی و هم افزایی بین اقوام ایرانی است. در مسئله هویت ایرانی، رابطه بزرگی و کوچکی عناصر هویت آفرین مورد بحث در این نوشتار مشهود و قابل بررسی است. قومیت، ملیت و اسلامیت یک مرزبندی درونی از جزء به کل در حیطه های هویتی جامعه ایرانی است. درست مثل کوچکی و بزرگی رابطه فرد و خانواده که در سطح فردی، این پیوندهای نسبی بخش مهمی از هویت افراد را تشکیل میدهند.

شهروندان برای معرفی خود به یکدیگر، نسبت های خانوادگی و قومی را ذکر میکنند ولی همین افراد در برابر سایر ملت ها از عناوین ایرانی، مسلمان و فارسی زبان برای اثبات هویت خود استفاده میکنند. این مثال به درک جایگاه اقوام ایرانی در سلسله مراتب هویتی که یک کل یکپارچه را باهم میسازند کمک شایان توجهی میکند. اقوام ایرانی بین خود مرزهای جامعه شناختی دارند اما در مواجهه با دنیای خارج، از مرزبندی های جغرافیایی، ملی و اسلامی پیروی میکنند. زندگی گروه های قومی در ایران به چهار دوره کلی تقسیم میشود. پیش از پذیرش اسلام، پس از اسلام، دوره معاصر و بویژه دوره پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی. به نظر من، شرایط پیش رو، دوره جدیدی برای ملت مسلمان و انقلابی ایران رقم خواهد زد. زخم های دردناکی بر پیکر اسلام عزیز از سوی دشمنان وارد آمده و جنگ

هاي به ظاهر مذهبي و در باطن استعماري و استكباري، ترفند آنها براي مقابله با پيشرفت ها و نقش آفريني هاي فزاينده جمهوري اسلامي ايران و متحدان آن در منطقه است كه آثار ثانوي آن به تدريج، سراسر جهان را تحت تاثير قرار مي‌دهد. غرب از تمامي ابزارهاي موجود در عرصه هاي نفتي، اقتصادي، رسانه اي و هسته اي بطور همزمان دارد استفاده مي‌كند. اين شرايط حاكم بر نظام بين‌الملل با محوريت اسلام يك نقطه عطف و پيچ تاريخي است. سابقه تاريخي مويد اين است كه اقوام ايراني در حفظ و حراست از كيان ايران و اسلام همواره كوشيده اند و نسبت به يكديگر مناسبات حسنه و پيوندهاي مستحكمي داشته اند. هيچ گاه در جامعه ايراني شاهد چيزي به نام برخورد قوميت ها نبوده ايم و وحدت اقوام ايراني همواره باعث ياس دشمنان بوده است. با افتخار بار ديگر تاكيد مي‌كنم دفاع مقدس مردم ايران در برابر استكبار جهاني باشكوه ترين جلوه هاي وحدت اقوام ايراني است كه مي‌توان آن را حاصل جمهوريت و اسلاميت برآمده از انقلاب اسلامي سال 1357 دانست كه با وجود بي سابقه بودن حجم و بزرگي تهديدات خارجي، نه تنها در اثر آن يك وجب از خاك اين سرزمين آسماني از دست نرفته است بلكه براي ده ها سال ديگر، اگر درست از نعمات و نتايج آن بهره برداري شود همچنان براي دشمنان بازدارنده، هراس آور و درصورت وقوع هرگونه درگيري احتمالي باعث شكست آنها خواهد بود.

من معتقدم مردم ايران از همه اقوام و ساكنان آن به اين سفارش قرآني "واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا" به خوبي عمل کرده اند. وحدت اقوام ايراني حاصل پيروي از اسلام ناب محمدي(ص)، ارزش هاي ملي و فرهنگ ايراني است. اجازه مي‌خواهم به اين عوامل وحدت آفرين در نواحي و مناطق مختلف کشور صرف نظر از ساير عوامل مهم كه درجاي ديگر بايد به آن پرداخته شود، با توجه به يافته هاي كم نظير خود كه حاصل سال ها ممارست در دستگاه هاي مختلف دولت، رسانه هاي محلي و مركز و مطالعات پژوهشي است و در نزد برنامه ريزان ارشد جامعه تاحدودي مغفول مانده به اهميت بسيار زياد استفاده از ظرفيت هاي انباشته شده در رسانه بويژه در رسانه هاي محلي اشاره كنم كه به نظر من اين رسانه ها، به عنوان نمايندگان اقوام و حوزه هاي محلي و پيشگامان عرصه هاي قدرت نرم جمهوري اسلامي ايران در صورت برنامه ريزي هاي كلان و بسترسازي هاي مناسب مي‌توانند بسيار فراتر از اين، نقش هاي راهبردي و گسترده تري در شرايط پيش گفته ايفا كنند.

